درآمدی بر غیبت‌نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)

مهدی غلامعلی

چکیده

غیبت امام مهدیؑ از مهم‌ترین رُخدادهای تاریخ شیعه است. تأثیر این رخداد بزرگ در روایات شیعی کاملاً مشهود است. گروهی از دانشمندان شیعه به انگیزهٔ گردآوری این‌گونه احادیث، غیبت‌نگاری را بنیان نهادند.

جمعی بر این باورند که عموم شیعیان، پیش از وقوع غیبت، از جریان آن، بی‌خبر بودند. بنا بر این، نگارش‌های حدیثی در این موضوع، سال‌ها پس از آغاز غیبت صغرا شکل گرفت. برخی دیگر بر این باورند که واقفیان، نخستین غیبت‌نگاران شیعی بوده‌اند. آنان، برای توجیه نافرمانی خویش از پیشوایان پس از امام هفتم، قائل به غیبت آن حضرت شدند.

در این نوشتار، برای پاسخ به گمانه‌های گفته شده، از تمام غیبت‌نگاران پنج قرن نخست هجری (با تفکیک مذاهب ایشان) یاد شده است. با بررسی‌ای تاریخی، در می‌یابیم که نخستین غیبت‌نگاران، چه کسانی بودند و بیشترین آثار در این موضوع، در چه سده‌هایی و توسّط اندیشمندان کدام مذهب، شکل گرفت:

کلید واژه‌ها: غیبت، تحیّر، فتن، ملاحم، هفتیه، مهدی، قائم.

درآمد

اعتقاد به منجی و موعود، از مشترکات بسیاری از ادیان آسمانی و مکتب‌های زمینی است. رهبران مذاهب گوناگون، همواره از عنصر امید به آینده، برای تعالی پیروانشان بهره می‌جویند. در میان آموزه‌های اختصاصی شیعه، از واژهٔ «غیبت (پوشیده بودن)» و «انتظار»، برای ایجاد امید در میان شیعیان، استفادهٔ شایانی شده است. روایات متعدّدی از پیامبرﷺ و دیگر معصومانؑ، در این زمینه

وارد شده است و تمام غیبت‌نگاران، به این احادیث، توجّه داشته‌اند. نعمانی در کتاب خویش، بابی با عنوان «آنچه دربارهٔ غیبت امام زمان از جمیع امامان رسیده»، آورده است (*الغیبة*، نعمانی: باب دهم). شیخ صدوق نیز با تفکیک روایات هر معصوم، در این موضوع، مطلب آورده (*کمال الدین و تمام النعمة*: ابواب ۲۵ ـ ۳۸) و شیخ طوسی، بابی را با نام: «آنچه از امامان دربارهٔ غیبت امام زمان رسیده» آورده است (*الغیبة*، طوسی: ص ۱۶۳ ـ ۱۷۴).

شیخ صدوق، در باب «ما أخبر به النبی من وقوع الغیبة بالقائم»، هشت حدیث نبوی را با سند متّصل خویش، بیان کرده است. نخستین حدیث این باب را صحابی بزرگوار ایشان، جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است. در این حدیث، آمده است:

> پیامبر خدا فرمود: «مهدی، از فرزندان من است. اسم او، اسم من است و کنیهٔ او، کنیهٔ من. از نظر خَلق و خُلق، شبیه‌ترینِ مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امّت‌ها در آن، گم‌راه می‌شوند. سپس مانند شهاب ثاقب، پیش آید و زمین را پُر از عدل و داد می‌نماید، همان‌گونه که پُر از ظلم و جور شده باشد (*کمال الدین و تمام النعمة*: ج ۱ ص ۵۳۵).

اهل بیت حتّی تعداد غیبت‌های قائم را نیز به پیروان ویژهٔ خویش، گفته بودند. اسحاق بن عمّار صیرفی می‌گوید: از امام صادق شنیدم که می‌فرماید: «قائم دارای دو غیبت است که یکی از آن دو، طولانی و دیگری، کوتاه است. در غیبت نخستین، شیعیان خاص، از جایگاه او باخبرند؛ ولی در غیبت دیگر، هیچ کس از جای او آگاه نیست، جز خدمتکاران و یا دوستان خاصّ او که بر دین او هستند» (*الغیبة*، نعمانی: ص ۲۴۴).

گفتنی است که شمار این‌گونه احادیث تا پیش از دوران امام باقر بسیار اندک است؛ امّا شمار احادیث امام صادق و امامان بعدی در موضوع «غیبت»، قابل توجّه است.

آیا شیعیان عصر حضور، از غیبت، آگاه بودند؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفت که عموم شیعه، از این رخداد، آگاه نبودند؛ چه این که اساساً لزوم غیبت نیز برای شیعیان تا پیش از شهادت امام رضا قابل درک نبود.

آموزه‌های اهل‌بیت نیز در این موضوع، ویژهٔ شیعیان خاص بود؛ چه این که غیبت، یکی از اسرار آل محمّد، تلقّی می‌شد. نعمانی، کتاب *الغیبة‌ی* خود را با باب «ما رُوِی فی صَونِ سرّ آلِ محمد عمّن لیس من أهله» آغاز می‌کند و معتقد است که فهم مباحث غیبت برای غیر خواص، مشکل است و نباید آن را برای بیگانگان، منتشر ساخت.

فهم غیبت، حتّی برای خواص شیعه در عصر امام باقر نیز مشکل می‌نمود. در روایتی که کشّی دربارهٔ گفتگوی زُراره با امام پنجم گزارش کرده، این مطلب کاملاً دیده می‌شود. زراره به امام باقر می‌گوید: فدایت شوم! به خدا سوگند، در احادیث شیعه مطالبی عجیب‌تر از روایات یهودیان

وجود دارد؟ امام‌ﷺ از او می‌پرسد: «زراره! کدام حدیث شیعه، این‌چنین است؟». او مدّتی به فکر فرو می‌رود و آنچه می‌خواسته که بگوید، فراموشش می‌شود. امام می‌پرسد: «شاید مرادت هفتیه است؟». پاسخ می‌دهد: آری. امام‌ﷺ می‌فرماید: «زراره! آن را تصدیق کن. هفتیه، حقّ است و انجام خواهد شد» (ر.ک: *رجال الکشّی*: ج ۱ ص ۳۷۵ ح ۲۶۰).

مرحوم استرآبادی، در شرح این حدیث می‌نویسد:

> الهفتیة فی هذا الحدیث هی غیبة القائم المنتظرﷺ غیبة طویلة و حیرة تتوجر منها الصدور فی الاستیقان... (همان: حاشیهٔ حدیث).

از این حدیث، می‌توان دریافت که درک وقوع و چگونگی غیبت، حتّی برای شیعیان عالِم به اسرار و عارف به معارف اهل بیت‌ﷺ، دشوار بوده است.

در این نوشتار، ابتدا به مطالب عمومی دربارهٔ غیبت‌نگاری، گسترهٔ زمانی آن، انگیزه‌های آن و محتوای کتاب‌های دربارهٔ غیبت خواهیم پرداخت و سپس در سه قسمت اصلی با غیبت‌نگاران اثنا عشریه، شیعهٔ غیر امامیه و اهل سنّت در پنج قرن نخست هجری آشنا خواهیم شد.

گفتنی است که در این مقاله، اسامی ۵۴ نفر غیبت‌نگار مسلمان آمده است. از این تعداد، شش نفر واقفی، دو نفر سنّی و بقیه، شیعهٔ امامی هستند. هجده نفر از نویسندگان این مجموعه پیش از غیبت، شانزده نفر در دوران غیبت صغرا، و بیست نفر در دوران غیبت کبرا تا حدود پایان قرن پنجم، به موضوع مهدویت و غیبت پرداخته‌اند.

غیبت‌نگاری

بعضی از نویسندگان شیعی یا متمایل به شیعه، کتاب‌هایی را با عناوینی همچون: *الغیبة*، *أخبار المهدی*، *إثبات الغیبة و کشف الحیرة*، *أخبار القائم*، *صاحب الزمان*، و *الفتن و الملاحم*، نوشته‌اند.

طبیعی است که نویسندگان و دانشمندان امامیه، بیش از دیگر فرقه‌ها انگیزهٔ نگارش چنین کتاب‌هایی را داشته‌اند، چنان که آمار غیبت‌نگاری در بین شیعیان امامیه نسبت به واقفیه در عصر غیبت صغرا و پیش از آن، چندین برابر است. روایات بی‌شماری در موضوع غیبت، چگونگی و انواع آن، از معصومان‌ﷺ گزارش شده است. ابو عبد الله نعمانی که در عصر غیبت صغرا می‌زیسته، پس از بیان بیش از نود روایت فقط در موضوع غیبت، می‌نویسد:

> این روایت آخر که بیان شد، آخرین روایت از مجموعه روایات غیبتی است که در اختیار من قرار داشت، در حالی که این دسته روایات، بخشی اندک از مجموعه روایات در موضوع غیبت است که مردم، آن را روایت می‌کنند و در اختیارشان هست (*غیبت نعمانی*: ص ۲۷۵).

این بیان، نشانگر کثرت روایات مربوط به موضوع غیبت در دستِ مردم آن زمان است. افزایش این گونه روایات و اهمیّت این موضوع، سبب شد که دانشمندان و نویسندگان شیعه، برای حفظ آنها

کتاب‌هایی را تدوین کنند. بعضی از این کتاب‌ها ده‌ها سال پیش از غیبت امام عصر نگاشته شده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) می‌گوید:

ائمه از غیبت او قائم() خبر داده و غیبت را برای شیعیانشان توضیح داده‌اند. این مطلب، در روایاتی که از ایشان نقل شده و در رساله‌هایی که از آنها باقی مانده و در کتاب‌هایی که حدود دویست سال پیش از وقوع غیبت، هیچ یک از پیروان امامان از این موضوع، غفلت نکرده و در بسیاری از کتب و روایات و مصنّفات خود، آنها را ذکر کرده‌اند و اینها همان کتبی است که به «اُصول» معروف است و نزد پیروان آل محمّد، از قریب دویست سال پیش از غیبت، به تدریج، تدوین گردیده و محفوظ مانده است و من، اخبار مُسنَدی که دربارهٔ غیبت است، از آن اصول، استخراج کرده و در این کتاب آورده‌ام. (*کمال الدین و تمام النعمة*: ترجمه: منصور پهلوان: ج ۱ ص ۳۹ و ۴۰).

همچنین سیّد ابن طاووس (م ۶۶۴ ق)، در *کشف المَحَجّة لثمرة المُهجَة*، خطاب به فرزندش می‌نویسد:

غیبت مولای ما، شگفتی موافق و مخالف را برانگیخته است... اگر به کتب شیعه در زمینهٔ غیبت (مانند کتب نعمانی و ابن بابویه و... کتاب‌هایی که در کتاب طرائف[1] نام برده‌ام)، مراجعه کنی، درمی‌یابی که همهٔ آنها یا بیشتر آنها پیش از تولّد مهدی خبر داده‌اند که او غیبت خواهد کرد (*کشف المحجّة* لثمرة المهجة: ص ۵۳).

از مجموع این گونه گزارش‌ها ـ که معمولاً از کسانی است که خود با تألیفات علمی کاملاً آشنا بوده‌اند ـ، می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها بسیاری از کتاب‌های دربارهٔ غیبت به دست ما نرسیده است؛ بلکه حتّی تاریخ، در ذکر نام آنها نیز کوتاهی کرده است.

گسترهٔ زمانی غیبت‌نگاری

دانستیم که غیبت‌نگاری پیش از میلاد امام مهدی نیز در میان شیعیان، وجود داشته است؛ امّا باید دانست که بخش قابل توجّهی از کتاب‌های مربوط به غیبت که در اواخر قرن دوم نگاشته شده، مربوط به واقفی‌هاست. فهرست‌نگاران، هفت کتاب با نام «الغیبة» به واقفی‌ها نسبت داده‌اند. رواج غیبت‌نگاری در میان شیعیان امامیه، بیشتر مربوط به سال‌های پایانی قرن سوم و آغاز قرن چهارم است. در این دوران ـ که هم‌زمان با دورهٔ غیبت صغرا و شروع غیبت کبراست ـ، کتاب‌های متعدّدی با موضوع «الغیبة» نگارش یافت. بعد از این دوران، در قرن پنجم، در میان نگارش‌های حدیثی، غیبت‌نگاری‌های متعدّد به چشم می‌خورد.

۱. در کتاب *طرائف*، اسامی کتاب‌های مشهور اهل سنّت و چند کتاب شیعی در فصل «بشارة المصطفی» (ص ۱۷۵ ـ ۱۹۰) آمده است.

انگیزه‌های غیبت‌نگاری

پذیرش غیبت امام در سال‌های ابتدایی دوران غیبت صغرا، برای عموم شیعه چندان مشکل نبود؛ امّا هر چه این دوران به انتها نزدیک‌تر می‌شد، تردیدها و شبهات شیعیان، افزایش می‌یافت. نعمانی که در این روزگار (نیمهٔ اوّل سدهٔ چهارم) زندگانی کرده، وضعیت فکری و اعتقادی شیعه را چنین توصیف می‌کند:

> گروه‌هایی را می‌بینیم که به مذهب شیعه، منسوب و به پیامبرﷺ و اهل بیت علیهم السلام وابسته‌اند... امّا متأسفانه می‌بینیم که ایشان، دچار تفرقه و چنددستگی در مذهب شده‌اند و واجبات الهی را سست می‌گیرند و به محرّمات الهی رو آورده‌اند و یا آنها را کوچک می‌شمارند. پاره‌ای دربارهٔ امام، غلو می‌کنند و بعضی، بسیار کوتاه آمده‌اند و جز اندکی، بقیهٔ آنان، در مورد امام زمانِ خود و ولیّ امر و حجّت پروردگارشان، به شکّ افتاده و دودل شده‌اند (غیبت نعمانی: ص ۳۰).

از این کلام نعمانی دانسته می‌شود که در دوران سخت پایان غیبت صغرا، جز اندکی از شیعیان، بقیّه در وجود امام عصر، دچار تردید شده بودند. این شُبهات و تردیدها سبب شد که عدّه‌ای از شیعیان از همراهی راه حق، باز بمانند و گروهی نیز به مخالفت با تشیّع بپردازند. از سوی دیگر، مخالفان شیعه (اهل سنّت) از غیبت امام عصرؑ و اعتقادات شیعی برای تمسخر و یا ایجاد شبهات، سوء استفاده می‌کردند. بروز این‌گونه گرفتاری‌ها برای جامعهٔ شیعی سبب گردید تا دانشمندان شیعه برای پاسداری از کیان مذهب و پاسخ‌گویی به معاندان، به غیبت‌نگاری روی آورند. به نظر می‌رسد نگارش‌هایی که در دورهٔ غیبت صغرا انجام شده، بیشتر با انگیزهٔ حفظ شیعه بوده و نگارش‌های دوران غیبت کبرا و... بویژه عصر شیخ مفید، برای پاسخ‌گویی به معاندان و مخالفان، انجام می‌شده است.

برای نمونه، انگیزهٔ نعمانی و شیخ صدوق از نگارش کتاب دربارهٔ غیبت، رهایی شیعیان از حیرت و شک نسبت به امام عصرؑ و مکتب شیعه بوده است. شیخ صدوق، در مقدّمهٔ *کمال الدین* خود می‌نویسد:

> انگیزهٔ من در تألیف این کتاب، آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا ـ صلوات الله علیه ـ برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آن جا اقامت گزیدم و دیدم که بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند، در امر غیبت حیران‌اند و دربارهٔ امام قائمؑ شبهه دارند و از راه راست، منحرف گشته و به رأی و قیاس، روی آورده‌اند (*کمال الدین و تمام النعمة، ترجمهٔ منصور پهلوان*: ج ۱ ص ۴).

امّا شیخ طوسی که در قرن پنجم در بغداد زندگی می‌کرده و رویارو با دانشمندان اهل سنّت بوده است، یکی از انگیزه‌های خود را در دیباچهٔ کتاب *الغیبة*ی خود، «پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان و اعتراض‌های معاندان» برمی‌شمارد (ر.ک: *الغیبة*، طوسی: ص ۲۹).

همین انگیزه را شیخ مفید و سیّد مرتضی نیز دنبال می‌کردند، بویژه این که آنان، برای اثبات غیبت و حضور امام عصر، از علم کلام نیز بهره گرفته‌اند و تنها به نقل روایات، بسنده نکرده‌اند.

محتوای کتاب‌های دربارهٔ غیبت

از بررسی مطالب چند کتاب دربارهٔ غیبت (کتاب‌های *الغیبة* نعمانی، *کمال الدین* صدوق، *الغیبة* شیخ طوسی)، که از آن روزگاران باقی مانده است، در می‌یابیم که مؤلّفان این آثار، به بیشتر موضوعاتی پرداخته‌اند که مرتبط با امام عصر‌ﷺ است. بعضی از این موضوعات، عبارت‌اند از: غیبت امام عصر، تعداد غیبت‌ها، سبب غیبت، علّت طولانی شدن غیبت، علائم پیش از ظهور، هرج و مرج‌ها، کثرت فساد در زمین، موانع ظهور، غیبت‌های پیامبران، نصوص پیامبر و امامان پیشین دربارهٔ امام مهدی‌ﷺ و غیبت وی، ذکر توقیعات امام زمان‌ﷺ، اخبار وکیلان و نایبان امام، اسامی معمّرین (کسانی که عمر طولانی داشته‌اند)، انتظار و ثواب آن، نابسامانی وضع شیعه در دوران غیبت، سیرهٔ امام مهدی‌ﷺ، مدّعیان دروغین نیابت و... .

گفتنی است که بسیاری از کتاب‌های مربوط به غیبت‌نگاری، با عنوان «الغیبة» شناخته شده‌اند؛ امّا بعضی از غیبت‌نگاران، از عناوین دیگری استفاده کرده‌اند. بعضی از این عناوین، عبارت‌اند از:«أخبار القائم»، «دلائل خروج القائم»، «مولد القائم»، «أخبار المهدی»، «کتاب صاحب الزمان» و... .

به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که با عناوین «الملاحم»، «الفتن»، «کشف الحیرة» و «أخبار الوکلاء» نگاشته شده‌اند، نیز به بخشی از موضوع غیبت پرداخته‌اند. اکنون کتاب‌های در موضوع غیبت را با تفکیک مذهب نویسندگان آنها بررسی می‌کنیم:

الف) اثنا عشریه.

در این قسمت، سعی خواهیم کرد تا با غیبت‌نگاران امامیه در سدهٔ دوم تا پایان سدهٔ پنجم هجری آشنا شویم. این نوشتار را در سه بخش (غیبت‌نگاران در عصر حضور معصومان، در دوران غیبت صغرا و در دوران غیبت کبرا)، پی می‌گیریم.

بخش اوّل: غیبت‌نگارانِ عصر حضور معصومان

شیعیان امامیه، در دوران امامان متأخّر، آثار متعدّدی را در راستای اثبات غیبت امام مهدی‌ﷺ و شخصیت آن حضرت آفریده‌اند. تاریخ، نام بعضی از این نویسندگان را ثبت کرده است که عبارت‌اند از:

۱. عبّاس (/ عبیس) بن هشام ناشری اسدی (م ۲۱۹ یا ۲۲۰ ق). وی از اصحاب امام رضا‌ﷺ بوده است. دربارهٔ وی گفته‌اند: محدّثی جلیل القدر در میان راویان شیعی بوده که روایات بسیاری را گزارش کرده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۸۰ ش ۷۴۱). شیخ طوسی، او را یک بار در شمارِ یاران

امام رضا﵇ و بار دیگر او را از کسانی دانسته که از امامان﵏ روایت کرده‌اند (*رجال الطوسی*: ص ۳۶۲ ش ۵۷ و ص ۴۳۵ ش ۶۸) کتاب *الغیبة*، یکی از کتاب‌های متعدّدی است که او نوشته است. (*رجال النجاشی*: ص ۲۸۰ ش ۷۴۱).

۲. فضل بن شاذان نیشابوری. وی از امام جواد﵇ روایت نقل کرده (همان‌جا) و در شمارِ یاران امام هادی و امام عسکری﵉ است (*رجال الطوسی*: ص ۳۹۰ و ۴۰۱). او از ستارگان درخشان و پیشوایان بزرگ شیعه در عصر خویش بوده است. نجاشی، قدرِ منزلت وی را بسیار فراتر از آن دانسته که به قلم آید (*رجال النجاشی*: ش ۲۹۷ ـ ۸۰۷).

فضل بن شاذان، فقیه، متکلّم و نویسنده‌ای بزرگ بوده که توانسته در مدّت عمر بابرکتش یکصد و هشتاد کتاب، تألیف کند (همان‌جا). در فهرست آثار علمی او کتاب‌هایی به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را در موضوع مهدویت دانست که عبارت‌اند از: *القائم*، *الملاحم*، *إثبات الرجعة*، حدیث *الرجعة* و *الغیبة*.

نجاشی، چهار اثر نخست را نام برده، ولی از کتاب *الغیبة*ی او یاد نکرده است. احتمال دارد *الغیبة*، نام دیگر کتاب *القائم* او باشد. خاتون‌آبادی در *کشف الحق* ـ که چهل حدیث دربارۀ امام مهدی﵇ آورده است ـ ، احادیثی را از کتاب *الغیبة*ی فضل بن شاذان، گزارش می‌کند. شیخ آقا بزرگ تهرانی، می‌گوید که نسخهٔ خطّی کتاب *الغیبة*ی او، هم‌اینک موجود است (الذریعة: ج ۱۶ ص ۷۸). همچنین در بعضی از روایات کتب اولیه، راویان تصریح می‌کنند که: «قال الفضل بن شاذان فی کتاب الغیبة».

نجاشی، طوسی، کشّی و... همگی او را عادل و ثقه توصیف کرده‌اند؛ امّا با وجود این، دسته‌ای از روایات در مذمّت او وارد شده است که آیة الله خویی، به بررسی آنها پرداخته و سپس نتیجه گرفته که این روایات، از جهت سندی و یا از جهت دلالت، خدشه‌پذیرند و نمی‌توانند وثاقت فضل بن شاذان را مخدوش نمایند (ر.ک: *معجم رجال الحدیث*: ج ۱۳ ص ۲۸۹ ـ ۳۰۲).

۳. ابراهیم بن صالح أنماطی. وی ملقّب به «ابو اسحاق کوفی» و معاصر امامان متأخّر و از اصحاب امام رضا﵇ بوده است. رجالیان، او را توثیق نموده و معتقدند که کتاب‌های متعدّدی داشته که متأسّفانه، در گذر زمان، همگی از بین رفته و تنها نامی از کتاب *الغیبة*ی او باقی مانده است. عبید الله بن احمد بن نهیکه افتخار شاگردی او را داشته و همو کتاب *الغیبة* را برای دیگران، روایت کرده است.

گفتنی است نام «ابراهیم بن صالح أنماطی»، بین سه نفر مشترک است. یکی از این سه تن در عصر امام باقر﵇ زندگی می‌کرده و شیخ طوسی و برقی، هر دو، را در شمارِ یاران امام باقر﵇ آورده‌اند. او تنها راوی بوده و هیچ کتابی نداشته است. بعضی از نویسندگان معاصر، گمان کرده‌اند که این سه نفر، متّحد هستند و مدّعی شده‌اند که نخستین کتاب *الغیبة* در عصر امام باقر﵇ نگاشته شده که این، توهّمی بیش نیست.

امّا دو نفر دیگر، کسانی هستند که معاصر یکدیگرند و یکی از آن دو واقفی است و عبید الله بن احمد نهیکه از هر دو نفر، روایت کرده است. متّحد بودن یک شاگرد برای دو استادِ همنام، سبب شده تا علاّمهٔ حلّی در *خلاصة الأقوال*، این دو نفر را یکی بپندارد، حال آن که راوی مشترک داشتن آنها، دلیل بر اتّحاد آنها نیست. (همان: ج ۱ ص ۲۰۴ ش ۱۰۲).

نجاشی، این دو نفر را در دو مدخل جداگانه، یاد کرده است و آن را که واقفی است، با پسوند «اسدی» از دیگری متمایز ساخت است. به دو نقل نجاشی توجّه کنید:

الف. إبراهیم بن صالح الأنماطی یکنّی بأبی إسحاق، کوفی، ثقة، لا بأس به، قال لی أبو العباس أحمد بن علی بن نوح: انقرضت کتبه فلیس أعرف منها إلاّ کتاب *الغیبة* (*رجال النجاشی*: ص ۱۵ ش۱۳).

ب. إبراهیم بن صالح الأنماطی الأسدی، ثقة روی عن أبی الحسن وقف. له کتاب یرویه (همان: ص ۲۴ ش ۳۷).

از سوی دیگر، نجاشی و برقی (*رجال البرقی*: ص ۵۱)، هر دو، أنماطی اسدی را در شمار یاران امام کاظمﷇ می‌دانند و این با آنچه در *رجال الطوسی* آمده، منافات دارد؛ چرا که شیخ طوسی، إبراهیم بن صالح انماطی را در شمار یاران امام رضاﷇ می‌آورد. از مجموع این قرائن، آیة الله خویی به این نتیجه رسیده که این نام، بین دو تن که هم‌عصر بوده‌اند، مشترک است و آن که نویسندهٔ کتاب *الغیبة* است، در شمارِ یاران امام رضاﷇ و امامیه است و آن دیگری، واقفی است (*معجم رجال الحدیث*: ج ۱ ص ۲۰۴ ش ۱۰۲).

۴. علی بن الحسن بن فضّال. وی فَطَحی‌مذهب و از اصحاب امام هادی و امام عسکری﷈ بوده است (*رجال الطوسی*: ص ۳۸۹ و ۴۰۰). وی ساکن کوفه و وی حدیث‌شناسی فقیه و از عالمان سرشناس آن دیار بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۵۷ ش ۶۷۶). او را افقه و افضلِ علمای امامیه در کوفه گفته‌اند (*رجال الکشّی*: ص ۵۳۰).

رجال‌نویسان مشهور، او را توثیق کرده‌اند و معمولاً بر روایات او اعتماد نموده‌اند (*خلاصة الأقوال*: ص ۹۳). ابن فضّال، کتاب‌های بسیاری نوشته است که البتّه بعضی از آنها برگرفته از اعتقاد مکتبی اوست؛ مانند: کتاب *إثبات الإمامة‌ی عبد الله*. از سوی دیگر، باید دانست که فَطَحی‌ها هر چند قائل به امامت عبد الله بن جعفر پس از امام صادقﷇ و پیش از امام کاظمﷇ هستند؛ امّا در امامت امام مهدیﷇ هیچ تردیدی ندارند. علی بن الحسن، آثاری با عناوین الملاحم و الغیبة (*رجال النجاشی*: ص ۲۷۰ ش ۷۰۸) در اثبات غیبت امام زمانﷇ تألیف کرده است.

گفتنی است که روایاتی منسوب به امام زمانﷇ علیه خاندان نبی فضّال موجود است که آیة الله خویی، سند این گونه روایات را مخدوش و ضعیف می‌داند (*معجم رجال الحدیث*: ج ۱ ص ۶۷).

۵. علی بن مهزیار اهوازی. وی از راویان امام رضا و امام جواد﷈ و وکیل امام جواد و امام هادی﷈ بوده است. پدر او مهزیار (و گفته شده که خود او) در ابتدا مسیحی بوده و سپس، مسلمان

و شیعه شده است. اعتقاداتش صحیح و روایتش، توثیق شده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۵۳ ش ۶۶۴).

او مانند استادش حسین بن سعید اهوازی، سی کتاب در سی موضوع نگاشت. اضافه بر این تعداد، چندین کتاب دیگر نیز تألیف کرد. در کارنامهٔ علمی او، این عناوین دیده می‌شوند: *القائم*ؑ و *الملاحم*.

۶. محمّد بن حسن بن جمهور. وی معروف به «محمّد بن جمهور» و از اصحاب امام کاظمؑ (*رجال البرقی*: ص ۵) و امام رضاؑ بوده است (*رجال الطوسی*: ص۳۸۷ ش ۱۷). وی از اهالی بصره است. رجال‌نویسان، او را با عبارات مختلف، تضعیف کرده‌اند: «غال، فاسد الحدیث، یکتب حدیثه» (*الرجال ابن الغضائری*: ج ۵؛ *مجمع الرجال*: ص ۱۸۴)، «ضعیف فی الحدیث فاسد المذهب» (*رجال النجاشی*: ص ۳۳۷ ش ۹۰۱) «لا یلتفت إلی حدیثه و لا یعتمد علی ما یرویه» (*خلاصة الأقوال*: ص ۳۹۵ ش ۱۸).

در میان نویسندگان متقدّم، ابن قولویه به او اعتماد کرده است و احادیث وی را در *کامل الزیارات*، نقل نموده است. این اقدام او سبب شده است که آیة الله خویی بگوید: اگر چه او مذهب باطلی داشته است، امّا فردی ثقه است؛ چرا که ابن قولویه او را توثیق نموده است. نهایت مطلبی که می‌توان گفت این که به خاطر غلو و تخلیط، روایات وی ضعیف است (معجم *رجال الحدیث*: ج ۱۶ ص ۱۹۱).

محمّد بن جمهور، سه کتاب در موضوع مهدویت نگاشته است: *الملاحم* (*الفهرست*: ص ۶۲۶ ش ۲۲۳) و *الفتن* (*معالم العلماء*: ص ۶۸۹ ش ۱۳۸)، صاحب الزمان و وقت خروج القائمؑ (*الفهرست*: ص ۲۲۳ ش ۶۲۶).

۷. عباد بن یعقوب رواجنی. شیخ طوسی و ابن شهر آشوب، او را عامی‌مذهب دانسته‌اند (*الفهرست*: ص ۱۹۲ ش ۵۴۰، *معالم العلماء*: ص ۱۲۳ ش ۶۸۹). او کتابی دارد با نام *أخبار المهدی*ؑ. در میان راویان هم‌طبقهٔ او، شخصیتی با نام «ابو سعید عباد عصفری» وجود دارد. ظاهر کلام شیخ طوسی این است که این دو با یکدیگر مغایرند؛ امّا نجاشی از قول حسین بن عبید الله و او به نقل از علمای شیعه نقل می‌کند که عباد عصفری، همان عباد بن یعقوب است. در *معجم رجال الحدیث* (ج ۹ ص ۲۱۹ ش ۶۱۴۷) آمده است: بعید نیست این گونه نقل نجاشی، اعتراضی به کلام طوسی در *الفهرست* باشد. (معجم *رجال الحدیث*: ج ۹ ص۲۱۹ ش ۶۱۴۷) همچنین محدّث نوری بر این باور است که رواجنی و عصفری، عناوین یک نفر است و احادیث باقی مانده از ایشان، نشان از تعصّب شیعی و دوازده امامی بودن او دارد. (همان: ج ۱۰ ص ۲۳۷).

آیة الله خویی، پس از بررسی‌های گوناگون می‌گوید که در هر صورت، وی، ثقه و مورد تأیید است (همان‌جا).

۸. **عبد الله بن جعفر حِمَیری.** وی از یاران امام رضا، امام هادی و امام عسکری بوده است (*رجال الطوسی*: ص ۳۸۹ ش ۴۰۰؛ *رجال البرقی*: ص ۶۰). او از دانشمندان موثّق و بزرگ شهر قم بود که در حدود سال ۲۹۰ ق، به کوفه رفت (*رجال النجاشی*: ص ۱۴۷ ش ۳۸۰). حمیری، کتاب‌های متعدّد نگاشته که آثار مرتبط با این نوشتار وی عبارت‌اند از: *الغیبة*، *المسائل و التوقیعات*، *مسائله عن محمّد بن عثمان العمری*، *الفترة و الحیرة*، و *قرب الإسناد إلی صاحب الأمر*. گفتنی است در ذکر اسامی کتاب‌های وی، رجالیان اختلافات اندکی در اسامی کتاب‌ها با یکدیگر دارند.

۹. **حنظلة بن زکریا تمیمی.** وی معروف به «ابو الحسن قزوینی» بوده است. شیخ طوسی، نام او را در باب: «من لم یرو عن واحد من الأئمة» آورده و گفته است که: «روی عنه التلّعکبری (م ۳۸۵ ق) و له منه إجازة» (*رجال الطوسی*: ص ۴۲۳ ش ۳۰). البتّه شیخ طوسی، روایتی را در کتاب *الغیبة*ی خود از تلّعُکبری نقل می‌کند که در این روایت، تلّعکبری با دو واسطه، از حنظلة بن زکریا، نقل حدیث کرده است (*الغیبة*، طوسی: ص ۹۸ ش ۱۳۴). کتاب *الغیبة*، تنها نگارش اوست.

۱۰. **ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی** (زنده در ۲۶۹ ق). او هم‌طبقهٔ ابراهیم بن هاشم است و علی بن ابراهیم، از او روایت نقل کرده است. شیخ طوسی، نام او را در باب: «من لا یرو عنهم» آورده است (*رجال الطوسی*: ص ۳۶۴ ش ۷۵). نجاشی، شیخ طوسی و ابن غضائری، اعتقادات او و روایاتش را ضعیف دانسته‌اند (*رجال النجاشی*: ص ۱۹ ش ۲۱؛ *الفهرست*: ص ۱۶ ش ۹). کتاب *الغیبة*، یکی از آثار علمی اوست.

۱۱. **معلّی بن محمّد بصری.** وی از راویان دوران امامان متأخّر است. معلّی با یک واسطه (علی بن رباط)، از امام رضا حدیث نقل می‌کند (*کمال الدین و تمام النعمة*: ص ۳۹) و برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) هم با یک یا دو واسطه، از معلّی روایت نقل می‌کند. نجاشی، او را «مضطرب الحدیث و المذهب» می‌داند. او کتاب‌های متعدّدی نگاشته است که *سیرة القائم* از آن جمله است. (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۱ ش ۱۰۳۵).

بخش دوم: غیبت‌نگاران عصر غیبت صغرا

در عصر غیبت صغرا، غیبت‌نگاری و پرداختن به مباحث مهدویت، به کمال خود رسید. بسیاری از عالمان و دانشمندان، کتاب‌هایی را در این موضوع تدوین کرده‌اند که به صورت بسیار گذرا، با نام و تألیفات آنها در موضوع مهدویت، آشنا می‌شویم:

۱. **حسن بن علی الناصر** (م ۳۰۴ ق). وی معروف به «ابو محمّد أُطروش» و از اصحاب امام هادی بوده است (*رجال الطوسی*: ص ۳۸۵). او از اجداد مادری سیّد مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق) است. سیّد مرتضی، دربارهٔ او می‌نویسد که برتری اطروش در علم و زهد و فقه، از خورشید درخشان، تابناک‌تر است و کسی است که اسلام را در مناطق شمالی ایران (دیلم) منتشر ساخت (*معجم رجال الحدیث*: ج ۵ ص ۲۹ ش ۲۹۴۶). اطروش، کتاب‌های متعدّدی در مباحث امامت از

خود به یادگار گذاشت. در موضوع مهدویت نیز وی کتاب *انساب الأئمة و موالیدهم إلی صاحب الأمر*ﷺ را نگاشته است. (*رجال النجاشی*: ص ۴۰ ش ۸۴).

۲. حسن بن محمّد بن احمد صفّار. وی از اهالی بصره و از شاگردان حسن بن محمّد بن سماعه (م ۲۶۳ ق) است. او از علمای بزرگ شیعه در عصر خویش بود. نجاشی، وی را توثیق نموده و گفته است که او کتابی دارد با نام *دلائل خروج القائم*ﷺ و ملاحمه (همان: ص ۶۴ ش ۱۴۹).

۳. احمد بن علی بن خضیب ایادی. وی اهل ری و استاد تلّعُکبری (م ۳۸۵ ق) است. شیخ طوسی، نام او را در باب: «من لم یرو عنهم‌ﷺ» آورده است (*رجال الطوسی*: ص ٤٥٥ ش ۱۰۱) و وی را ثقه می‌داند؛ ولی خود او و دیگر رجالیان، او را متّهم به غلو می‌کنند (ر.ک: *رجال الطوسی*: ص ۴۱۶؛ *رجال النجاشی*: ص ۹۷؛ *الفهرست*، طوسی: ص ۷۶؛ *معالم العلماء*: ص ۵۴). کتاب *الشفاء و الجلاء فی الغیبة* اثر اوست (*رجال النجاشی*: ص ۹۷ ش ۲۴۰ ، *الفهرست*، طوسی: ص ۵۶). شیخ طوسی و ابن شهر آشوب، این کتاب را «نیکو» دانسته‌اند (*الفهرست*، طوسی: ص ۷۶؛ *معالم العلماء*: ص ۵۴). این کتاب، نزد سیّد بن طاووس بوده است (*کشف المحجّة*: ص ۵۳). حدیثی در کتاب *الغیبة*ی شیخ طوسی، از احمد بن خضیب، دربارهٔ فرود آمدن صحیفه‌ای از جانب خدا برای دوازده امام روایت شده که می‌تواند از کتاب *الشفاء و الجلاء*، اخذ شده باشد (ر.ک: *الغیبة*: ص ۱۳۴ ح ۹۸).

۴. مظفر بن علی بن حسین حمدانی. وی معروف به «ابو الفرج حمدانی» بوده است. منتجب الدین رازی، او را با عبارت «ثقةٌ عینٌ» ستوده است و وی را از سفیران امام مهدی‌ﷺ دانسته که تا زمان شیخ مفید و شیخ طوسی، زنده بوده است و در مجالس درسی سیّد مرتضی و شیخ طوسی، شرکت می‌کرده است. او کتابی با نام *الغیبة* نگاشته است. (*الفهرست*، رازی: ص ۱۰۱ ش ۳۵۹). آیة الله خویی می‌نویسد که بین وفات شیخ مفید و آغاز غیبت کبرا، ۱۳۱ سال فاصله است. بنا بر این، چگونه امکان دارد که سفیر امام تا آن سال، زنده بوده باشد و شاگردی شیخ مفید را بنماید؟ علاوه بر این که نام او در شمارِ یاران امام زمان‌ﷺ و کسانی که ایشان را دیده‌اند، نیامده است (*معجم رجال الحدیث*: ج ۱۸ ص ۱۷۹ ش ۱۲۴۰۷).

۵. سلامة بن محمّد بن اسماعیل (م ۳۳۹ ق). وی استادی سرشناس، مورد اعتماد و ثقه در میان شیعیان بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۱۹۲ ش ۵۱۴). وی از افرادی همچون ابن ولید، ابن بطّه، علی بن حسین بن بابویه و... روایت کرده است (همان‌جا). تلّعُکبری هم در سال ۳۲۸ ق، از او اجازهٔ روایت گرفته است (*رجال الطوسی*: ص ۴۲۷). کتاب *الغیبة و کشف الحیرة*، یکی از آثار علمی اوست.

۶. عبد العزیز بن یحیی جلودی (تاریخ‌نگار). جدّ اعلای او، عیسی جلودی، از اصحاب امام جوادﷺ بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۴۰). شیخ طوسی، نام عبد العزیز را در باب: «من لم یرو عن واحد من الأئمةﷺ» یاد کرده است. عبد العزیز، از دانشمندان شناخته شدهٔ بصره است و توانسته

ده‌ها کتاب در موضوعات تاریخی، حدیثی و فقهی تدوین کند. نجاشی، بیش از دویست کتاب او را نام برده است. در میان این اسامی، نام کتاب *ذکر کلامه [امام علی] فی الملاحم*، و *أخبار المهدی* به چشم می‌خورد (همان: ص ۲۴۰). ابن ندیم، وفات او را پس از سال ۳۰۸ هجری ثبت کرده است (*الفهرست*، ابن الندیم: ص ۱۲۸).

۷. ابو القاسم علی بن احمد کوفی (م ۳۵۲ ق). او از نسل موسی مبرقع، فرزند امام جواد بوده است. علی بن احمد، در فارس زندگی می‌کرد و سرانجام، در حوالی شهر فسا، دار فانی را وداع گفت. او اگر چه از شیعیان امامی است، ولی نجاشی و شیخ معتقدند که در اواخر عمر، جذب مذهب مخمّسه[1] گردید و در پاره‌ای از امور، غلو نمود. او کتاب‌های بسیاری را تألیف کرده است. نجاشی و ابن غضائری، بر این باورند که بیشتر آثار او بر اندیشهٔ باطل، نگاشته شده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۵ ش ۶۹۱؛ *مجمع الرجال*: ج ۴ ص ۱۶۲). امّا شیخ طوسی می‌گوید که او در ابتدا، امامی معتقد بوده و آثار نخست او بر مذهب امامیه نگاشته شده است؛ امّا پس از آن که غلو نمود، آثارش را با نگرش منفی نگاشت (*الفهرست*: ص ۲۷۱ ش ۳۹۰). کتاب او در موضوع مهدویت، *ابان حکم الغیبة* نام دارد (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۵ ش ۶۹۱).

۸. علی بن محمّد بن ابراهیم رازی. وی معروف به «علان کلینی» بوده است. او دایی محمّد بن یعقوب کلینی، نویسندهٔ کتاب شریف *الکافی* است. نجاشی، او را با عبارت «ثقة عین» توصیف کرده است (همان: ص ۲۵۷ ش ۶۷۶). تنها کتابی که از او می‌شناسیم، کتاب *أخبار القائم* است (ر.ک: *مرآة العقول*: ج ۱ ص ۳۹۶). شیخ طوسی، در کتاب *الغیبة*، حدیثی را از علان کلینی، دربارهٔ میلاد امام مهدی روایت کرده (ر.ک: *الغیبة* ص ۲۴۴ ح ۲۱۱) که احتمالاً برگرفته از همین کتاب است.

۹. عیسی بن مهران. وی معروف به «مستعطف» بوده است. شیخ طوسی، نام او در باب: «من لم یرو عن واحد من الأئمة» آورده است. فرات کوفی و ابن همام (م ۳۳۲ ق) با یک واسطه از او روایت می‌کنند و ابن جریر طبری (شیعه) از شاگردان اوست. در اسناد شیخ طوسی و شیخ مفید، نام او به چشم می‌خورد. کتاب المهدی معروف‌ترین تألیف اوست. تاریخ‌نگاران و رجالیان سنّی با او عداواتی ویژه داشته‌اند و از او با عبارت «رجل سوء من شیاطین الرافضة» یاد می‌کنند (ر.ک: *تاریخ بغداد*: ج ۱۱ ص ۱۶۸). در منابع اهل سنّت آمده است که برادر عیسی بن مهران، در سال ۲۶۲ ق، فوت کرده است.

۱۰. محمّد بن ابراهیم بن جعفر (م ح ۳۶۰ ق). وی به «ابو عبد الله نعمانی»، «ابو عبد الله کاتب نعمانی» و «ابن زینب» معروف بوده و از دانشمندان بزرگ شیعه در دورهٔ غیبت صغراست.

۱. معنی التخمیس عند الغلاة ـ لعنهم الله ـ أن سلمان الفارسی المقداد و العمّار و أباذر و عمر بن أمیة الضمری، هم الموکّلون بمصالح العالم. تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً (*خلاصة الأقوال*: ص ۳۶۵).

نجاشی، با عبارت: «شیخ من أصحابنا عظیم القدر، شریف المنزلة، صحیح العقیدة، کثیر الحدیث» (*رجال النجاشی*: ص ۱۵ ش ۱۳)، جایگاه علمی و عقیدتی او را بیان کرده است. نعمانی، در بغداد می‌زیست و در نگارش کتاب الکافی، یاریگر استادش محمّد بن یعقوب کلینی بوده است (ر.ک: *مرآة العقول*: ج ۱ ص ۳۹۶). او در اواخر عمر، به شام سفر کرد و در همان جا درگذشت. کتاب *الغیبة*ی او، نشانگر فضل و دانش ستودنی اوست. این تألیف، کهن‌ترین کتاب در موضوع غیبت است که به دست ما رسیده است. بخشی از عبارات *الغیبة*ی نعمانی، گویای آن است که این کتاب، در سال‌های آغازین غیبت کبرا نگاشته شده است نعمانی، در چند جا به زمان نگارش خود اشاره می‌کند. در یکی از این موارد می‌گوید: «و له الآن نیف و ثمانون سنة... ؛ در حالی که او (امام مهدی) اکنون، مقداری بیش از هشتاد سال دارد». بر اساس تولّد امام مهدی در سال ۲۵۵ ق، این کلام نشان می‌دهد که این کتاب، اندکی بعد از سال ۳۳۵ ق، نگاشته شده است).

۱۱. **محمّد بن بحر رهنی** (زنده در ۲۸۶ ق). نسخه‌هایی که آیة الله خویی از *رجال النجاشی* و *رجال ابن داوود* داشته است، نام او را چنین ضبط کرده‌اند (ر.ک: *معجم رجال الحدیث*: ج ۱۴ ص ۲۹۵). وی به «ابو الحسین شیبانی» معروف بوده است. او سیستانی الأصل (*الفهرست*: ص ۳۹۰) و ساکن نرماشیر کرمان بود (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۴ ش ۱۰۴۴). شخصیت علمی او را ستوده‌اند و وی را فقیه، متکلّم و عالم به اخبار (*الفهرست*: ص ۳۹۰ ش ۵۹۹) دانسته‌اند.

محمّد بن بحر، نگارش‌های بسیاری بالغ بر پانصد کتاب و رساله را به سامان رسانده است (*معالم العلماء*: ص ۱۳۱ ش ۶۶۲). او اگر چه دانشمندی بزرگ در عصر خویش بوده؛ امّا اعتقادات غیر قابل قبولی داشته است. وی متّهم به غلوّ (*الفهرست*: ص ۳۹۰ ش ۵۹۹، معالم العلماء: ص ۱۳۱ ش ۶۶۲) و در شمار غالیان حنقیین (*رجال الکشّی*: ص ۱۴۷ ش ۲۳۵) و متّهم اعتقاد به تفویض (*رجال الطوسی*: ص ۴۴۷ ش ۱۰۶) و ارتفاع در مذهب (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۴ ش ۱۰۴۴؛ *مجمع الرجال*: ج ۵ ص ۱۶۲) است. بنا بر این، بعضی در قبول احادیث او توقّف کرده‌اند (*خلاصة الأقوال*: ص ۲۵۴) و بعضی دیگر، حدیث او را «قریب من السلامة» می‌دانند (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۴ ش ۱۰۴۴) ابن شهرآشوب، در میان آثار علمی وی به کتاب *الحجّة فی إبطاء القائم* اشاره می‌کند (*معالم العلماء*: ص ۱۳۱ ش ۶۶۲)؛ امّا نجاشی و شیخ طوسی، نام این کتاب را ذکر نکرده‌اند. چنانچه گذشت، از رجالیان و بویژه شرح حال‌نگاران معاصرش، کشّی در غالی بودن او اجماع دارد. از این رو، آیة الله خویی، پس از بررسی روایات صادره از وی می‌گوید: اگر چه در احادیث او غلو وجود ندارد؛ امّا نمی‌توان کلام رجالیان را نادیده گرفت. بنا بر این، باید او را مجهول الحال دانست (*معجم رجال الحدیث*: ج ۱۵ ص ۱۲۳).

۱۲. **محمّد بن قاسم ابو بکر (محمّد بن ابی القاسم)**. نسخه‌هایی که آیة الله خویی از *رجال النجاشی* و *رجال ابن داوود* داشته است، نام او را چنین ضبط کرده‌اند (ر.ک: *معجم رجال الحدیث*:

ج۱۴ ص۲۹۵). وی اهل بغداد و متکلّم بوده است. او کتابی در موضوع کلام با عنوان *الغیبة* نگاشته است. وی هم‌عصر ابن همام (م ۳۳۲ ق) بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۱ ش ۱۰۳۵).

۱۳. محمّد بن علی بن فضل بن تمام. وی کوفی و راوی بسیاری از احادیث امامیه است (*الفهرست*، طوسی: ص ۴۴۶ ش ۷۱۳). نجاشی، او را ثقه، عین، صحیح الاعتقاد و جیّد التصانیف خوانده است. (*رجال النجاشی*: ص ۴۴۶ ش ۷۱۳). به نظر می‌رسد که او در نگارش کتاب، بسیار توانا و خوش‌سلیقه بوده است، به گونه‌ای که کتاب *الفرج فی الغیبة* را به قدری نیکو و گسترده نگاشته است که شیخ طوسی، از آن با عبارت «کبیر حسن» یاد می‌کند (*الفهرست*، طوسی: ص ۴۴۶ ش ۷۱۳). از تاریخ وفات او اطّلاعی در دست نیست؛ امّا در سال ۳۴۰ ق، به شاگرد کوشایش تلّعُکبری، اجازهٔ روایت کتاب‌هایش را اعطا کرده است (*رجال الطوسی*: ص ۴۴۳). بنا بر این، او سال‌های پایانی غیبت صغرا را درک کرده است. شیخ طوسی نیز نام محمّد بن علی را در باب: «من لم یرو عن أحدهم» آورده است (همان‌جا).

۱۴. محمّد بن مسعود عیّاشی (م ۳۲۰ ق). وی از دانشمندان و مفاخر ارزشمند شیعی در سمرقند بوده است. او در ابتدا عامی‌مذهب بود؛ امّا مستبصر شد و دلش به فروغ اهل بیت تابناک گردید. (*رجال النجاشی*: ص ۳۵۰ ش ۹۴۴). او را این چنین وصف کرده‌اند: «ثقة، صدوق، عین من عیون هذه الطائفة» (همان‌جا). «جلیل القدر، واسع الأخبار، بصیر بالروایات، مطلعٌ علیها» (*الفهرست*: ص ۳۹۶ ش ۶۰۵) و «أفضل أهل المشرق علماً» (*معالم العلماء*: ص ۱۳۴ ش ۶۶۴). عیّاشی، گذشته از برپایی کلاس‌های متعدّد آموزش در عمر پُر برکت خویش، بیش از دویست کتاب تدوین کرده است (*الفهرست*: ص ۳۹۶ ش ۶۰۵؛ *معالم العلماء*: ص ۱۳۴ ش ۶۶۴). *الغیبة*، *الملاحم* و *الرجعة*، از آثار او در موضوع مهدویت است (*الفهرست*: ص ۳۹۶ ش ۶۰۵؛ *معالم العلماء*: ص ۱۳۴ ش ۶۶۴). شیخ صدوق، روایتی را در موضوع مهدویت با دو واسطه از عیّاشی نقل می‌کند که احتمالاً از همان کتاب *الغیبة* یا *الملاحم* است. در این روایت، امام باقر از ظهور امام مهدی و نماز خواندن عیسی در پشت سرِ آن حضرت، مطالبی را بیان می‌فرماید. (*کمال الدین و تمام النعمة*: ص ۳۳۱ ح ۱۷). همچنین کشّی نیز روایتی را از او نقل می‌کند که احتمالاً از همان کتاب *الغیبة* است. در این متن، امام صادق به زراره در مورد غیبت کبرا تذکّر می‌دهد که «فصدّق بها فإنّها حق» (*رجال الکشّی*: ص ۳۷۵ ش ۲۶۰).

۱۵. محمّد بن علی بن ابی عزافر (م ۳۲۳ ق). وی معروف به «شلمغانی» و از شیعیان امامیه در عصر غیبت صغراست. شلمغانی، به علوم و معارف حدیثی و فقه اهل بیت آشنایی داشت و کتاب‌هایی را نیز در این زمینه‌ها تدوین کرده است. او از راه حق، منحرف شد و ادّعاهایی باطلی را مطرح ساخت. از جانب امام زمان توقیعی مبنی بر لعن او صادر شد. در کارنامهٔ ابن ابی عزافر، اثری با عنوان *الغیبة* دیده می‌شود. البته رجالیان متقدّم در کتاب‌های رجال و فهارس، نامی از این

اثر ذکر نکرده‌اند؛ ولی شیخ طوسی در کتاب *الغیبة‌ی* خویش، مطلبی را به کتاب *الغیبة‌ی* شلمغانی نسبت داده است. (*الغیبة*، طوسی: ص ۳۵۹ ح ۳۹۱). همچنین او کتابی با عنوان *الأوصیاء* داشته که ظاهراً حاوی مطالبی دربارهٔ اثبات ولادت امام مهدی‌ع بوده است، چنان که شیخ طوسی، روایاتی را از همین کتاب، آورده است (همان: ص ۲۱۳ ح ۲۴۵ و ص ۲۹۳ ح ۳۴۳).

۱۶. علی بن حسین بن موسی (م ۳۲۹ ق). وی به «ابن بابویه قمّی» معروف بوده است. او فقیه والامقام و بزرگ دانشمندان قمی در دوران غیبت صغراست (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۱ ش ۶۸۴). وی در سفر به بغداد با حسین بن روح، ملاقات کرد و در جلسه‌ای علمی سؤالات خویش را از او پرسید (همان‌جا). از افتخارات ابن بابویه این است که در نامه‌ای به امام زمان‌ع از آن حضرت خواست تا برای فرزنددار شدنش دعا کند و امام‌ع در پاسخ به او نگاشت: «قد دعونا الله لک بذلک و سترزق ولدین ذکرین خیرین» (همان‌جا). نتیجهٔ این دعای امام عصر، دو فرزند بزرگوار او، یعنی شیخ صدوق و برادرش ابو عبد الله گردید. ابن بابویه، کتابی با عنوان *الإمامة و التبصرة* (*الفهرست*، طوسی: ص ۲۷۳ ش ۳۹۳) یا *البصیرة من الحیرة* (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۱ ش ۶۸۴) در موضوع امامت و غیبت، نگاشته است. علی بن بابویه، در سال تناثر نجوم، یعنی ۳۲۹ ق، به رحمت ایزدی شتافت (همان‌جا).

غیبت‌نگاران عصر غیبت کبرا

۱. احمد بن حسین بن عبد الله مهرانی آبی. وی از اساتید شیخ صدوق است. صدوق، در مرو احادیثی را دربارهٔ میلاد امام مهدی‌ع و کسانی که آن حضرت را دیده‌اند، از او شنیده است (*کمال الدین و تمام النعمة*: ص ۴۳۳ ح ۱۶ و ص ۴۷۶ ح ۲۶). احمد بن حسین نیز احادیثش را با سه واسطه، از امام عسکری‌ع نقل می‌کند. کتاب *ترتیب الأدلّة فیما یلزم خصوم الإمامیة دفعة عن الغیبة والغائب*، اثر اوست (*معالم العلماء*: ص ۶۰ ش ۱۱۳).

۲. احمد بن محمّد بن عبید الله جوهری (م ۴۰۱ ق). وی که به «احمد بن محمّد بن عیّاش» شهرت داشته، از دوستان نجاشی و پدر نجاشی بوده است. پدر و جدّ احمد، یعنی محمّد بن عبید الله و عبید الله بن حسن بن عیّاش، هر دو از بزرگان و سرشناسان بغداد بوده‌اند. احمد بن محمّد، مردی عالم و هنرمند بوده و در ادبیات، شعر و خوش‌نویسی بسیار توانا بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۸۶ ش ۲۹). توانمندی احمد در حدیث نیز گزارش شده است، به گونه‌ای که نجاشی می‌گوید: او احادیث بسیاری شنیده بود و من نیز از او بسیار شنیدم (همان‌جا)؛ امّا متأسّفانه در آخر عمر، دچار مشکلاتی گردید که سبب شد مشایخِ او را تضعیف کرده، از او روایت نقل نکنند. امّا به هر تقدیر، وی کتاب‌های بسیاری نگاشته است که در این جا به چند اثر او اشاره می‌کنیم: *کتاب ما نزل من القرآن فی صاحب الزمان*ع که شیخ طوسی، از این کتاب با عنوان *مختصر ما نزل من القرآن*... یاد

کرده است (*الفهرست*: ص ۱۰۳ ش ۱۹۳)، *أخبار الوکلاء الأئمّة الأربعة* و *أخبار السّید* که در این کتاب هم به نظر می‌رسد که منظور از «سیّد»، امام زمان‌ع باشد.

۳. احمد بن محمّد بن عمران. معروف به «ابن جُندی» و از اساتید نجاشی است (*رجال النجاشی*: ص ۲۰۶ ش ۸۵). شیخ طوسی، نام او را در شمار راویانی که از امامان‌ع مستقیماً روایت نقل نکرده‌اند، ذکر کرده است (*رجال الطوسی*، ش ۱۰۶: «باب من لم یرو عنهم»). او چندین کتاب نگاشته که *الغیبة* یکی از آنهاست (*رجال النجاشی*: ص ۸۵ ش ۲۰۶).

۴. حسن بن حمزهٔ علوی طبری مرعشی (م ۳۵۸ ق). حسن بن حمزه، سال‌های پایانی غیبت صغرا را درک کرده است. او از دانشمندان بزرگ امامیه و از مشایخِ شیخ صدوق و شیخ مفید است. طبری مرعشی، از نسل امام حسین‌ع است. او فقیهی بزرگ و دانشمندی سترگ در حدیث، فقه و ادبیات بوده است (ر.ک: *رجال النجاشی*: ص ۶۴ ش ۱۵۰؛ *الفهرست*: ص ۱۳۵ ش ۱۹۵؛ *رجال الطوسی*: ص ۳۵۶). او را از عالمان سرشناس شیعی در سدهٔ چهارم دانسته‌اند (*الفهرست*، رازی: ص ۲۱۳). طبری در زهد و تقوا، زبانزد شیعیان بوده است. حسن بن حمزه، در سال ۳۵۶ ق، به بغداد آمد و اساتید بزرگی نزد او رفته، از محضر علمی و حدیثی او سود جستند؛ امّا هنوز چندان با وی آشنا نشده بودند که در سال ۳۵۸ ق، به رحمت ایزدی پیوست (*رجال النجاشی*: ص ۶۴ ش ۱۵۰). دو کتاب او در زمینهٔ غیبت‌نگاری، نخست کتاب *فی الغیبة* است و دوم، *الأُشفیة فی معانی الغیبة* (همان‌جا). کتاب *الغیبة*ی او در نزد میرلوحی، از معاصران علاّمه محمّد باقر مجلسی بوده است (*الذریعة*: ج ۱۶ ص ۷۶) و میرلوحی، بعضی از آن احادیث را در کتاب *کفایة المهتدی فی معرفة المهدی* آورده است و محدّث نوری، از این کتاب نقل می‌کند؛ ولی مستقیماً به *الغیبة*ی مرعشی نسبت می‌دهد (همان: ج ۱۸ ص ۱۰۲ ش ۸۶۷).

۵. احمد بن نوح سیرافی. وی ساکن بصره و استاد نجاشی بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۸۶ ش ۲۰۹)؛ ولی شیخ طوسی، او را ملاقات نکرده است (*الفهرست*: طوسی: ص ۸۶). نجاشی، او را فقیه، حدیث‌شناس و ثقه در نقل احادیث می‌داند (*رجال النجاشی*: ص ۸۶ ش ۲۰۹). او آثار متعدّدی خلق کرده است. نام دو اثر او چنین است: *أخبار الأبواب* (*الفهرست*: ص ۸۶) و *مستوفی أخبار الوکلاء الأربعة* (*رجال النجاشی*: ص ۶۴ ش ۱۴۹).

۶. حسن بن محمّد بن یحیی (م ۳۵۸ ق). وی معروف به «ابن أخی طاهر» و از نسل امام سجّاد‌ع بوده است. بزرگان شیعه، او را تضعیف کرده‌اند؛ چرا که از افراد ناشناس، احادیث غیر معروف، نقل کرده است (*رجال النجاشی*: ص ۶۴ ش ۱۴۹). ابن اخی طاهر، کتابی دارد با نام *الغیبة و ذکر القائم*‌ع (همان‌جا).

۷. سیّد مرتضی علم الهدی (م ۴۳۳ ق). وی که به «سیّد مرتضی» معروف است، در عصر خویش، آن‌چنان در علوم پیشتاز گردید که احدی پس از شیخ مفید، هم‌تراز او نبود. سیّد مرتضی

علم الهدی، در طول عمر هشتاد ساله‌اش، آثار علمی بسیار ارزنده‌ای را تدوین و به جوامع علمی ارائه کرد. در میان آثار او کتاب‌های *المقنع فی الغیبة*، *الشافی فی الإمامة* و *رسالة فی غیبة الحجّة* (*الذریعة*: ج ۱۶ ص ۸۲) به چشم می‌خورد. او کتاب *المقنع* را به سفارش وزیر مغربی[1] نگاشته است (همان: ج ۲۲ ص ۱۲۳). از سوی دیگر، بخش‌هایی از کتاب *الشافی* نیز مرتبط با غیبت امام زمان‌ع است؛ چرا که در بخش تکمیلی *المقنع فی الغیبة* چنین می‌نویسد: «قد ذکرنا فی کتابنا *الشافی فی الإمامة*، ثم فی کتابنا *المقنع فی الغیبة*، السبب فی استتار امام الزمان‌ع عن أعدائه و أولیائه و خالفنا بین السببین...» (*المقنع فی الغیبة*: ص ۷۳). سیّد مرتضی، در کتاب *جوابات المسائل الطرابلسیات الثانیة* نیز می‌نویسد: «إعلم انّ کل مسألة تتعلّق بالغیبة من هذه المسائل فجوابها موجود فی کتابنا *المقنع فی الغیبة* و فی الکتاب *الشافی* (*رسائل المرتضی*: ج ۱ ص ۳۱۰). احتمال دارد که کتاب *الشافی فی الإمامة*، به طور مطلق به مباحث امامت پرداخته باشد، چنانچه شواهدی نیز بر این مطلب، موجود است) *رسالة فی غیبة الحجّة*، در مجموعهٔ *رسائل المرتضی* به چاپ رسیده است (*رسائل المرتضی*: ج ۲ ص ۲۹۲ ـ ۳۰۰).

۸. محمّد بن زید بن علی فارسی. وی دانشمندی فقیه و ثقه در عصر غیبت کبراست. او استاد مفید ثانی عبد الرحمان نیشابوری است. محمّد بن زید نیز کتابی با نام الغیبة نگاشته است (*معالم العلماء*: ج ۵ ص ۴۱). کتاب دیگر او به نام *الوصایا* نیز احتمالاً در بر دارندهٔ مطالبی مربوط به امام زمان‌ع بوده است. پیش‌تر گفته شد که بعضی از کتاب‌های *الوصایا*، مسائل مربوط به مهدویت را آورده‌اند؛ مانند *الوصایاء* شلمغانی.

۹. ابو عبد الله محمّد بن محمّد بن نعمان (م ۴۱۳ ق). وی معروف به «شیخ مفید» و از افتخارات شیعه بوده است. آوازه و شهرت او در میان شیعه و اهل سنّت، زبانزد است. شیخ مفید، شش کتاب از دویست اثر علمی خود را در موضوع «غیبت» تدوین کرده که عبارت‌اند از: *المسائل العشرة فی الغیبة*، *مختصر فی الغیبة*، *جوابات الفارقین فی الغیبة*، *النقص علی الطلحی فی الغیبة*، *الجوابات فی خروج الإمام المهدی‌ع* و *کتاب فی الغیبة* (*رجال النجاشی*: ص ۳۹۹ ش ۱۰۶۷؛ الفهرست: ص ۴۴۴ ش ۷۱۱).

۱۰. محمّد بن احمد بن جُنید. وی معروف به «ابو علی کاتب اسکافی» و معاصر شیخ صدوق بوده و از دانشمندان ثقه، بلندمرتبه و برجستهٔ شیعه در عصر خویش است (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۵ ش ۱۰۴۷). زبردستی او در تألیف به حدّی بوده که وی را «جیّد التصنیف» خوانده‌اند (*الفهرست*، طوسی: ص ۳۹۲ ش ۶۰۲). شمشیر و اموالی از امام زمان‌ع در نزد اسکافی بود که بعدها در نزد بازماندگانش از بین رفت (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۵ ش ۱۰۴۷). وی کتاب‌های بسیاری در فقه و کلام، تألیف کرده که *تهذیب الشیعة لأحکام الشریعة*ی او بیست جلد بوده است (همان‌جا).

---

[1]. نام او ابو الحسن علی بن الحسین بن علی بن هارون بن عبد العزیز اراجنی است.

در فهرست آثار وی، دو کتاب مرتبط با غیبت‌نگاری دیده می‌شود: نخست، *إزالة الران عن قلوب الإخوان فی معنی الغیبة* (*الفهرست*: ص ۳۹۲ ش ۶۰۲). در *رجال النجاشی*، این کتاب بدون پسوندِ «فی معنی الغیبة» آمده است (ر.ک: *الفهرست*، ابن ندیم: ص ۲۴۶) و دیگری *التحیّر* (*رجال النجاشی*: ص ۳۸۵ ش ۱۰۴۷). احتمال دارد که این کتاب، فقهی و به معنای شک باشد، بویژه آن که نجاشی آن را پس از کتاب‌های فقهی آورده است.

گفتنی است که دانشمندان آن دوران، از عصر غیبت با عناوینی همچون حیرت، تحیّر، هفتیه، هفیه و... یاد می‌کردند. شیخ طوسی، نام او را در این باب: «من لم یرو عن أحدهم‌ﷺ» آورده است (*رجال الطوسی*: ص ۱۰۸ ش ۴۴۷) و با یک واسطه، کتاب‌هایش را روایت می‌کند. ابن ندیم، او را «قریب العهد» خوانده است (*الفهرست*، ابن ندیم: ص ۲۴۶).

۱۱. محمّد بن احمد بن عبد الله بن قضاعه. وی معروف به «ابو عبد الله صفوانی»، معاصر کلینی (م ۳۲۹ ق) و از نسل صفوان بن مهران جمّال است (*رجال النجاشی*: ص ۳۹۳ ش ۱۰۵۰) و این چنین، او را ستوده‌اند: شیخ الطائفه، ثقه، فقیه و فاضل (همان‌جا). کراماتی از او صادر شده که حتّی سلطان سنّی زمانه نیز شیفته او گردید (همان‌جا). او از اساتید تلّعُکبری (م ۳۸۵ ق)، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) و احمد بن نوح سیرافی است و از علی بن ابراهیم (استاد کلینی)، روایت نقل کرده است (*رجال النجاشی*: ص ۳۹۳ ش ۱۰۵۰؛ *الفهرست*، طوسی: ص ۳۹۰ ش ۶۰۰). از آثار او می‌توان به *الغیبة و کشف الحیرة* (*رجال النجاشی*: ص ۳۹۳ ش ۱۰۵۰) و *الکشف و الحجّة* اشاره کرد (*الفهرست*: ص ۳۰۰ ش ۶۰۰). احتمال دارد این کتاب، کتاب *الغیبة و کشف الحیرة* باشد که نجاشی نام برده است.

۱۲. محمد بن حسن بن حمزهٔ جعفری (م ۴۶۳ ق). وی معروف به «ابو یعلی»، جانشین شیخ مفید در مجالس درسی او بود. او در فقه و کلام، توانمند بوده و کتابی با عنوان *المسألة فی مولد صاحب الزمان*ﷺ نوشته است (*رجال النجاشی*: ص ۴۰۴ ش ۱۰۷۰).

۱۳. محمّد بن حسن بن علی طوسی (م ۴۶۰ ق). وی معروف به «شیخ طوسی» و از بزرگان و ستارگان پُرفروغ شیعهٔ امامیه در قرن پنجم است. او دانشمندی پُرکار، فقیهی توانمند و متکلّمی خردمند بود که پس از سیّد مرتضی علم الهدی، بزرگِ شیعیان جهان گردید. او کتاب‌های بسیار و ارزشمندی نگاشته است. در میان کتاب‌های کلامی او، *الغیبة* (*الفهرست*، طوسی: ص ۴۴۷ ش ۷۱۴) به شیوه‌ای بدیع تدوین شده است. این اثر او ـ که تاکنون جاودانه است ـ، با استفاده از احادیث و استدلال‌های کلامی عرضه گردیده و دارای باب‌های زیبا و موضوعات جذّاب دربارهٔ امام مهدی‌ﷺ و غیبت آن حضرت است.

۱۴. هبة الله بن احمد بن محمّد کاتب. وی معروف به «ابن برنیه» نوهٔ دختری محمّد بن عثمان عمری، یکی از چهار نایب خاصّ امام مهدی‌ﷺ است (*رجال النجاشی*: ص ۴۴۰ ش ۱۱۸۵).

ابن برنیه، شاگرد اساتید زیدی‌مذهب بود و بنا بر این، به ایشان متمایل گردید و معتقد بود امامان، سیزده نفرند و زید بن علی نیز یکی از ایشان است. وی به این روایت در *کتاب سلیم بن قیس* استناد می‌کرد که: «إنّ الأئمّة إثنا عشر من ولد أمیر المؤمنین» (همان‌جا). او نوشتاری دارد با عنوان *کتاب فی أخبار أبی عمرو و أبی جعفر العمریّین* (همان‌جا). ابن برنیه، به زیارت قبور اهل بیت بسیار اهتمام داشت. از آن جا که وی، پیرو اعتقادات زیدیه در مسائل امامت به طور کامل نبوده و امامان دوازده‌گانهٔ امامیه را نیز قبول داشته است، نام وی را در شمارِ غیبت‌نگاران امامیه آوردیم. نجاشی، در آخرین سفر زیارتی او به نجف در سال ۴۰۰ ق، همراهش بوده است (همان‌جا).

۱۵. اشرف بن الأغر بن هاشم (م ۶۱۰ ق). وی معروف به «تاج العلوی حسینی» و «تاج العلاء»، از دانشمندان معمّر شیعی در حلب است. وی در ۴۸۲ ق، در رمله به دنیا آمد و در سال ۶۱۰ ق، در حالی که ۱۲۸ سال داشت، در حلب فوت نمود. او نسب‌شناس، واعظ، شاعر و حافظ بود. او کتابی با عنوان *الغیبة للحجّة* نوشته است (*الذریعة*: ج ۱۶ ص ۷۵ ش ۳۷۵). ابن حجر، او را بسیار تضعیف کرده و کتاب *فی تحقیق غیبة المنتظر* او را معرّفی کرده است (*لسان المیزان*: ص ۴۴۹ ش ۱۴۰۷).

۱۶. احمد بن رمیح مروزی. کنیهٔ او «ابو سعید» بود. ابن شهرآشوب، نام احمد بن رمیح را در شمارِ نویسندگان شیعه آورده و گفته است که او کتاب‌هایی با این عناوین: *فی ذکر قائم آل محمّد* و *إثبات الوصیة لأمیر المؤمنین* نگاشته است (*معالم العلماء*: ص ۱۴۷ ش ۷۶۵). شیخ صدوق، با یک واسطه از او روایت نقل می‌کند. استاد صدوق، در گرگان نزد ابن رمیح، درس خوانده است (*عیون أخبار الرضا*: ج ۲ ص ۱۲۷ ح ۲۸). از تاریخ و زندگانی ابن رمیح، در متون تاریخی و رجالی شیعه اطّلاعاتی یافت نشد؛ امّا در متون اهل سنّت، نام «أحمد بن محمّد بن رمیح النسوی ثم المروزی» بسیار دیده می‌شود. او استاد دارُقطنی (م ۳۸۵ ق) و حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) بوده است.

حاکم، *صحیح البخاری* را در نیشابور، بر او قرائت کرده است و در شهرهای مختلف، مانند بغداد، شام، دمشق، نیشابور، گرگان و... مجالس درس داشته است (*سیر أعلام النبلاء*: ج ۱۶ ص ۱۶۹ ش ۱۲۴). چنان که آمد، او مدّتی را در گرگان، تدریس کرده است (*تاریخ دمشق*: ج ۵ ص ۳۴۳ ش ۱۴۰؛ *تاریخ جرجان*: ص ۱۲۲). ابن عساکر، او را مردی مشهور در خراسان، معرّفی می‌کند (*تاریخ دمشق*: ج ۵ ص ۳۴۳ ش ۱۴۰). ابن رمیح، در سال ۳۵۷ ق، وفات یافت (*سیر أعلام النبلاء*: ج ۱۶ ص ۱۶۹ ش ۱۲۴). بعضی از عالمان اهل سنّت، او را ثقه (همان جا) و بعضی نیز ضعیف می‌دانند (*تاریخ جرجان*، به نقل از ابو زرعهٔ کشّی). از این رو، احتمالاً تمایلات شیعی یا شافعی داشته است.

۱۷. احمد بن محمّد بن احمد. وی معروف به «ابو علی جرجانی» بوده که ساکن مصر و مردی راستگو در احادیث و باتقوا بوده که از شیعه و سنّی احادیث بسیاری شنیده است. او کتابی بزرگ در موضوع مهدویت و روایات امام مهدی نگاشته است با عنوان *فی ذکر من روی من طرق أصحاب الحدیث أنّ المهدی من ولد الحسین و فیه أخبار القائم* (*رجال النجاشی*: ص ۹۷ ص ۲۴۰ ش ۹).

نویسندهٔ *تهذیب المقال*، بر این باور است که او، همان احمد بن محمّد بن ابی احمد جرجانی است که ابن حجر، از او در *لسان المیزان*، یاد کرده است و ابن عدی دربارهٔ او گفته است: «لیس حدیثه بمستقیم انتهی، و سمع کلامه کأنّه یغلط فیه» (*الکامل*، عبد الله بن عدی: ج ۱ ص ۱۷۱). سهمی، نویسندهٔ *تاریخ جرجان* (م ۴۲۷ ق)، در معرّفی او گفته است: «سکن حمص» (*تاریخ جرجان*: ص ۶۶). استاد سیّد محمد علی ابطحی، با استناد به این که حمص، مشترک بین چند مکان و از آن جمله، بخشی از مصر است، می‌گوید: اگر چه تاریخ جرجان، او را ساکن حمص می‌داند، ولی مراد، همان حمصی است که در مصر بوده است. بنا بر این او، همانی است که در *رجال النجاشی* معرّفی شده است (*تهذیب المقال*، سیّد محمّد علی ابطحی: ج ۳ ص ۳۸۴). آقا بزرگ تهرانی، نام او را در *أعلام الشیعة*، در شمارِ اساتید شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) آورده است (همان‌جا).

۱۸. عبد الوهّاب مادرائی (ربادرائی). کنیهٔ او «ابو محمّد» بوده و مؤلّف کتابی با نام *الغیبة* است (*رجال النجاشی*: ص ۲۴۷ ش ۶۵۲). در *الذریعه*، نام این کتاب *الغیبة للحجّة* ذکر شده است. (*الذریعة*: ج ۶ ص ۷۶ ش ۳۸۷).

۱۹. محمّد بن علی بن عثمان کراجکی (م ۴۴۹ ق). قاضی ابو الفتح کراجکی، از فقیهان و دانشمندانی است که در نزد سیّد مرتضی و شیخ طوسی، دانش آموخته است. شیخ حرّ عاملی، در معرّفی شخصیت علمی و معنوی او آورده است: دانشمند، فاضل، متکلّم، فقیه، محدّث، ثقه و جلیل‌القدر (*أمل الآمل*: ج ۲ ص ۲۸۷ ش ۸۵۷). کراجکی، کتاب‌های بسیاری نگاشته که معروف‌ترین آنها *کنز الفوائد* است. آقا بزرگ تهرانی، کتابی با عنوان *البرهان علی طول عمر صاحب الزمان* را به او نسبت داده است (*الذریعة*: ج ۳ ص ۲۹۲ ش ۹۲). گفتنی است که ابن شهرآشوب و منتجب‌الدین رازی، نام چنین اثری را در کارنامهٔ علمی او نیاورده‌اند؛ چرا که این کتاب، یکی از پنج رسالهٔ موجود در کتاب *کنز الفوائد* است (*کنز الفوائد*، کراجکی: ص ۲۴۳ ـ ۳۰۷). این رساله را کراجکی در سال ۴۲۷ ق، نوشته و گفته است: «اکنون امام زمان ۲۷۲ سال دارد». آن گاه، وی دلایل نقلی، عقلی و شواهدی را از پیامبران بر طولانی بودن عمر بعضی از افراد، ارائه می‌کند. از این کتاب با عنوان *کتاب الأربعین فی أخبار المهدی* نیز یاد شده است؛ چرا که چهل حدیث دربارهٔ امام مهدی توسّط ابو نعیم، گزارش شده است.

ب) شیعهٔ غیر امامیه

چنانچه گذشت، اعتقاد به غیبت، از ویژگی‌های شیعیان است. بنا بر این، بعضی از فرقه‌های منشعب از شیعه نیز برای دستیابی به مقاصد باطل و از دست ندادن پیروانشان، از این اصطلاح مقدّس، سوء استفاده نموده‌اند. این گروه‌های منحرف، معمولاً غایبانی را برای خویش تصوّر کرده‌اند. و مریدانشان را با این ترفندها می‌فریبند. در این جا با بعضی از این فرقه‌ها آشنا می‌شویم:

۱. فرقهٔ کیسانیه. آنها مدّعی بودند که پیشوایشان محمّد بن حنفیه، زنده است و در پسِ پردهٔ غیبت، منتظر فرمان الهی است. سیّد حِمیری، شاعر معروف سدهٔ دوم هجری، از جمله کسانی است که به مذهب کیسانیه معتقد بود و اشعاری را در رثای محمّد بن حنفیه و غیبت او سروده است.[1]

البته بعدها سیّد حمیری به برکت نور عالم‌تاب امام صادقؑ از اعتقاد خویش دست کشید و با غایب اصلی (امام دوازدهم) آشنا شد (*کمال الدین و تمام النعمة*: ص ۳۲). از فرقهٔ کیسانیه، اشعار و مطالب اندکی در دست است؛ ولی هیچ کتابی در موضوع غیبت، از ایشان نمی‌شناسیم. این گروه، در همان عصر معصومانؑ منقرض شدند. شیخ طوسی می‌نویسد:

> این فرقه منقرض گردیده‌اند و امروزه و حتّی مدّت‌ها پیش از این نیز در دنیا اثری از ایشان باقی نمانده است. اگر آن فرقه بر حق بودند، هیچ‌گاه منقرض نمی‌شدند (*الغیبة*: ص ۱۹).

توجّه به این نکته ضرور است که «ایدهٔ غیبت منجی» در میان شیعیان از ده‌ها سال پیش از ولادت امام عصرؑ وجود داشته و کیسانیه نیز از همین ایده برای پیشبرد اهدافشان سود می‌جستند.

۲. فرقهٔ ناووسیه. این فرقه نیز بر این باور بودند که مهدی و غایب از دیده‌ها، امام صادقؑ است. از این فرقه نیز کتابی را در موضوع غیبت سراغ نداریم. البته وفات امام صادقؑ آن چنان برای همگان، آشکار و روشن بود که جای تردیدی برای کسی باقی نمی‌گذاشت. همین امر، سبب شد که فرقهٔ یاد شده، خیلی سریع منقرض شود.

۳. فرقه واقفیه. این فرقه معتقد بودند که امام کاظمؑ، مهدیِ امّت است و همچنان زنده است و در روز موعود، ظهور خواهند کرد. واقفی‌ها برای اثبات مدّعای خود، به بعضی از اخبار امامان پیشین، بویژه روایات امام صادقؑ استناد می‌کردند که بشارت به ظهور منجی داده بود. شیخ طوسی، در کتاب *الغیبة*، تمامی این روایات را بیان و سپس نقد نموده است (ر.ک: *الغیبة*: ص ۴۲ ـ ۶۲).

---

[1] این اشعار از سروده‌های اوست:

الا إن الأئمّـة مـن قـريش	ولاة الأمـر أربعـة سـواء
علـي والثلاثـة مـن بنيـه	هـم أسـباطنا و الأوصيـاء
فـسبط سـبط إيمـان وبـر	وسـبط قـد حوتـه كـربلاء
و سـبط لا يـذوق المـوت حتّـى	يقـود الجيـش يقدمـه اللّـواء
يغيـب فـلا يـرى عنّـا زمانـاً	برضـوى عنـده عسـل و مـاء.

و در سروده‌ای دیگر، این چنین غیبت او را به تصویر کشیده است:

أيا شعب رضوى! مـا لمن بـك لا يـرى	فحتّـى متـى يخفـى وأنـت قريـب
فـول غـاب عنّـا عمـر نـوح لا يقنت	منـا النفـوس بأنـه سـيؤوب

(*کمال الدین و تمام النعمة*: ص ۳۲ ـ ۳۴).

با توجّه با این که در عصر امام رضا﵇ نگارش کتاب‌های حدیثی گسترش یافته بود و از سوی دیگر، بعضی از سران واقفیه در شمارِ عالمان و دانشمندان زمان بودند، کتاب‌هایی را برای اثبات فرقهٔ خویش با عنوان *الغیبة* نگاشته‌اند که در ادامهٔ این نوشتار با آنها آشنا خواهیم شد.

شش تن از ایشان، کتاب‌هایی را با همین اعتقاد نوشته‌اند که از ایشان، یاد می‌کنیم:

۱. عبد الله بن جبلة بن ابجر کنانی (م ۲۱۹ ق). وی فقیه سرشناس واقفی (م ۱۹۸ ق) و از اصحاب امام کاظم﵇ بود (*رجال الطوسی*: ص ۳۳ ش ۳۴۶). نجاشی، او را توثیق نموده است. خاندان جبله، از خاندان‌های معروف شهر کوفه بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۲۴۷ ش ۶۵۲). عبد الله، پدر و جدّش، همگی از راویان احادیث اهل بیت﵈ به شمار می‌روند. شمار احادیث روایت شده از عبد الله در کتب چهارگانهٔ شیعه، ۲۴۲ روایت است (*معجم رجال الحدیث*: ج ۱۰ ص ۱۳۳). شیخ طوسی، از کتاب‌های او نام نبرده و تنها به آوردن «له روایات» در مورد او بسنده کرده است (*الفهرست*، طوسی: ص ۳۰۰ ش ۴۵۴)؛ در حالی‌که نجاشی گفته که او کتاب‌هایی داشته است و تعدادی از آنها را می‌برد (*رجال الطوسی*: ص ۳۴۱ ش ۳۳).

در میان آثار او کتابی با این عنوان به چشم می‌خورد: *الصفة فی الغیبة علی مذاهب الواقفة* (*رجال النجاشی*: ص ۲۴۷ ح ۶۵۲).

۲. علی بن حسن جرمی[1] (م ۲۰۵ ق). وی معروف به «طاهری»[2]، ساکن کوفه، از اصحاب امام کاظم﵇ (*رجال الطوسی*: ص ۳۴۱ ش ۴۶) و از سران و مشایخ متعصّب واقفیه است. (*الفهرست*: ص ۲۷۲ ش ۳۹۱). شیخ طوسی همچنین دربارهٔ او می‌نویسد: «الکوفی کان واقفیاً شدید العناد فی مذهبه صعب العصبیة علی من خالفة من الإمامیة». وی از مروّجان تفکّر واقفی است و حسن بن محمّد بن سماعه که از دانشمندان این فرقه است، مذهب خویش را از او آموخته است (*رجال النجاشی*: ص ۲۵۹ ش ۶۷۹). علی بن حسن، در همین زمینه، کتاب‌های متعدّدی را در جهت معرّفی و تبلیغ مکتب خویش نگاشته است (*الفهرست*: ص ۲۷۲ ش ۳۹۱).

نجاشی، به طور مطلق، او را در نقل حدیث، ثقه می‌داند (*رجال النجاشی*: ص ۲۵۹ ش ۶۷۹)؛ ولی شیخ طوسی معتقد است که او تنها در کتاب‌های فقهی‌اش از رجال موثّق، نقل حدیث کرده است. بنا بر این، در کتاب *الفهرست*، فقط کتاب‌های فقهی او را نام می‌برد (*الفهرست*: ص ۲۷۲ ش ۳۹۱).

در میان آثار متعدّد او کتاب *الغیبة* هم مشاهده می‌شود (*رجال النجاشی*: ص ۲۵۹ ش ۶۷۹).

---

۱. در روایات، از او با نام‌های «علی الجرمی» و «علی بن الحسن الطاهری» نیز یاد شده است.

۲. طاهری، نام نوعی پارچه و لباس است. از آن جا که علی بن الحسن، چنین لباسی را می فروخته است، به این عنوان، مشهور شده است.

۳. حسن بن علی بن ابی حمزة بطائنی. وی معروف به «سالم بطائنی» و از سران و مروّجان واقفیه است. تمام رجالیان شیعی، او را جرح کرده‌اند و از الفاظی نظیر: کذّاب، ملعون (*رجال الکشّی*: ص ۴۴۳ و ۵۵۲)، مورد طعن واقع شده (رجال النجاشی: ۶۹ ش ۱۶۷)، متروک الروایه (*رجال أبی داوود*: ص ۱۲۱ ش ۴۴۰) و... در توصیف او استفاده کرده‌اند. در میان آثار علمی او چند کتاب در موضوع غیبت دیده می‌شود که عبارت‌اند از: *الغیبة*، *القائم الصغیر*، *الفتن* یا *الملاحم* و *الرجعة* (*رجال النجاشی*: ص ۶۹ ش ۱۶۷).

۴. حسن بن محمّد بن سماعه. وی از اصحاب امام کاظم(ع) است (*رجال الطوسی*: ص۳۳۵). او از فقها و بزرگان واقفیه است که در اعتقادات خود، متعصّب بوده است (*رجال النجاشی*: ص ۵۷ ش ۱۳۵). نجاشی و ابن داوود، او را ثقه معرّفی کرده‌اند (*رجال النجاشی*: ص ۵۷ ش ۱۳۵؛ *رجال أبی داوود*: ص ۳۸۶). ابن سماعه، نویسنده‌ای چیره‌دست بوده و او را «جیّد التصانیف» دانسته‌اند (*الفهرست*، طوسی: ص ۱۰۳ ش ۱۹۳). وی، سی کتاب فقهی را به نیکویی تدوین کرد (همان‌جا. نیز، ر.ک: *معالم العلماء*: ۷۲ ش ۲۱۳). برپایی مجالس درسی گوناگون، یکی دیگر از تلاش‌های علمی اوست. در شمارِ آثار نوشتاری او کتاب *الغیبة* موجود است (*رجال النجاشی*: ص ۵۷ ش ۱۳۵، *الفهرست*: ص ۱۰۳ ش ۱۹۳؛ *معالم العلماء*: ص ۷۲ ش ۲۱۳).

ابن سماعه به سال ۲۶۳ ق، در شهر کوفه درگذشت (*رجال النجاشی*: ص ۵۷ ش ۱۳۵، *الفهرست*: ص ۱۰۳ ش ۱۹۳).

۵. علی بن محمّد بن علی بن عمر بن ریاح. جدّ اعلای او عمر بن ریاح، از شاگردان و راویان امام صادق(ع) است. (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۵ ش ۶۹۱)؛ امّا علی بن محمّد، روایتی از امامان(ع) ندارد و شیخ طوسی، او را در شمارِ: «من لم یرو عن أحدهم(ع)» یاد کرده است (*رجال الطوسی*: ص ۴۳۴).

علی بن محمّد، اگر چه واقفی است، ولی صاحبان رجال، او را ستوده‌اند. نجاشی، او را چنین توصیف کرده است: «کاث ثقة فی الحدیث... صحیح الروایة، ثبتاً، معتمداً علی ما یرویه». او چندین کتاب تدوین کرده که کتاب *الغیبة* یکی از آنهاست. نجاشی، با دو واسطه کتاب‌های او را روایت می‌کند (*رجال النجاشی*: ص ۲۶۵ ش ۶۹۱).

۶. علی بن عمر اعرج. وی از یاران زکریا بن محمّد مؤمن است (همان: ص ۲۵۶ ش ۶۷۰). زکریا، از راویان و یاران امام صادق و امام کاظم(ع) بود، ولی واقفی شد و گفتگوی او با امام رضا(ع) در مسجد الحرام، نشان از واقفی بودن او دارد (همان: ص ۱۷۲ ش ۴۵۳).

علی بن عمر را در نقل حدیث، ضعیف دانسته‌اند. او کتابی با عنوان *الغیبة* تدوین کرده است. عبید الله بن احمد نهیک ـ که از رجال ثقهٔ امامیه است ـ، شاگرد اوست و کتاب‌های وی را به نسل بعد، منتقل نموده است (همان: ص ۲۵۶ ص ۶۷۰).

شش نفری که با نام و زندگی اجمالی آنها آشنا شدیم، همگی واقفی بوده و کتاب‌هایی با نام *الغیبة* را با نگرش مکتبی خویش نگاشته‌اند. بدیهی است که مهم‌ترین انگیزهٔ آنها سیاسی بوده و صرفاً برای پایدار ماندن بر مذهب خودشان چنین آثاری را خلق کرده‌اند.

ج) اهل سنّت

پیروان مکتب خلفا نیز ظهور منجی و قیام مهدی را باور دارند؛ امّا گمان می‌کنند که او هنوز به دنیا نیامده و به گاه نیاز، پا به عرصهٔ وجود خواهد گذاشت. از این رو، آنان غیبتی برای آن حضرت، قائل نیستند. در کتاب‌های حدیثی ایشان، احادیث مربوط به حضرت حجّت دیده می‌شود. در گسترهٔ زمانی پنج قرن نخست هجری، دو تن از علمای سنّی، کتاب‌هایی را ویژهٔ روایات نبوی دربارهٔ مهدی گرد آورده‌اند که در زیر، معرّفی می‌شوند:

۱. **احمد بن زهیر بن حرب نسایی** (م ۲۷۹ ق). وی معروف به «ابو بکر خیثمه» و از فقیهان و محدّثان اهل سنّت است که کتاب‌های بسیاری داشته است (*الفهرست*، ابن ندیم: ص ۲۸۶). یکی از آثار او را کتاب *جمع الأحادیث الواردة فی المهدی* دانسته‌اند (مجلّهٔ تراثنا: ش ۴۴ ص ۳).

آیة الله صافی، در *لمحات*، کتاب‌های او را *أحادیث المهدی* و *أخبار المهدی* معرّفی کرده است (*لمحات*: ص ۲۷۵).

۲. **احمد بن عبد الله**. وی معروف به «حافظ ابو نعیم اصفهانی» و از دانشمندان شناخته شدهٔ اهل سنّت در قرن پنجم است. او در روزگار پس از غیبت صغرا (۳۳۶ ـ ۴۳۰ ق) زندگی کرده است و تألیفات بسیاری را سامان داده که از آن جمله می‌توان به *کتاب المهدی* اشاره کرد (*الرسالة المستطرفة*: ص ۴۹؛ *کشف الظنون*: س ۱۴۶۵۲).

بنا بر آنچه گذشت، نگارش کتاب دربارهٔ مهدویت و بویژه غیبت‌نگاری، در میان امامیه رواج چشمگیری داشته است؛ امّا با بررسی تاریخی نگارش‌ها درمی‌یابیم که واقفیه، نخستین کسانی هستند که غیبت‌نگاری را آغاز کردند. به نظر می‌رسد که شیعیان عصر امام رضا برای مقابله با این فرقه و ایستادگی در مقابل سوء استفاده‌های ایشان از فرهنگ انتظار و مسئلهٔ غیبت، دست به قلم شده، نگارش‌هایی را در این خصوص، سامان دادند. بدین ترتیب، امامیه در پاسخ به استفادهٔ ابزاری واقفیه از احادیث غیبت، پس از ایشان، گردآوری این گونه احادیث را ضرور شمردند. پیش از حرکت واقفیه، شیعیان از اظهار این احادیث، خودداری می‌کردند؛ چه این که *اولاً* مباحث غیبت، از اسرار درون‌گروهی به شمار می‌رفت و *ثانیاً* عموم شیعیان، توانایی درک آن را نداشتند؛ چرا که جامعهٔ شیعه، هنوز به ضرورت غیبت، پی نبرده بود.

کتاب‌نامه

الف ـ کتاب ها

۱. *أمل الآمل*، محمّد بن حسن الحرّ العاملی، تحقیق السیّد أحمد الحسینی، بغداد: مکتبة الأندلُس.

۲. برنامهٔ نرم افزار «نور الدرایة».

۳. *تاریخ جرجان*، حمزة بن یوسف السهمی، تحقیق: محمّد عبد المعیدخان، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق.

۴. *تاریخ دمشق*، علی بن الحسن بن هبة الله الدمشقی (ابن عساکر)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق، اوّل.

۵. *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، محمّد علی الموحّد الأبطحی، نجف: مطبعه الآداب، ۱۳۹۰ ق.

۶. *خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال*، *حسن بن یوسف الحلّی*، تحقیق: جواد القیّومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.

۷. *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، محمّد محسن بن علی المنزوی (آقا بزرگ الطهرانی) بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ ق، سوم.

۸. *رجال ابن داوود*، الحسن بن علی الحلّی، تحقیق: محمّد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق.

۹. *رجال البرقی*، أحمد بن محمّد البرقی، تصحیح: جواد القیّومی، تحقیق: نشر القیّوم، ۱۴۱۹ ق.

۱۰. *رجال الطوسی*، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی)، تحقیق: جواد القیّومی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق، اوّل.

۱۱. *رجال الکشّی*، (*اختیار معرفه الرجال*)، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی)، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق، اوّل.

۱۲. *رجال النجاشی*، أحمد بن علی النجاشی، تحقیق: السیّد موسی الشبیری الزنجانی، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

۱۳. *الرجال*، أحمد بن حسین الغضائری(ابن الغضائری) تحقیق: السیّد محمّد رضا الحسینی الجلالی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق، اوّل.

۱۴. *رسائل الشریف المرتضی*، علی بن حسین علم الهدی، بیروت: مؤسّسة النور للمطبوعات.

۱۵. *الرسالة المستطرفة*، محمّد بن جعفر الکتّانی، بیروت: دار البشائر الإسلامیة، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. سیر *أعلام النبلاء*، محمّد بن أحمد الذهبی، بیروت: مؤسّسة الرسالة.

۱۷. شرح *نهج البلاغة*، عبد الحمید بن محمّد المعتزلی (ابن أبی الحدید)، تحقیق: محمّد أبوالفضل إبراهیم، قاهره: دار إحیاء الکتب العربیّة، ۱۳۷۸ ق.

۱۸. عیون *أخبار الرضا*ﷺ، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق)، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسّسة الأعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۱۹. *غیبت نعمانی*، ابن أبی زینب النعمانی، ترجمه: محمّد جواد غفّاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. *الغیبة*، محمّد بن إبراهیم الکاتب النعمانی، تحقیق: فارس حسّون کریم، قم: أنوار الهدی، ۱۴۲۲ ق.
۲۱. *الغیبة*، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی)، تحقیق: عباد الله الطهرانی و علی أحمد ناصح، قم: مکتبة بصیرتی، ۱۳۸۵ ق.
۲۲. *فهرست أسماء علماء الشیعه و مصنّفیهم*، علی بن عبد الله الرازی (منتجب الدین)، تحقیق: السیّد عبد العزیز الطباطبائی، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۶ ق.
۲۳. *الفهرست*، محمّد بن إسحاق (ابن الندیم) تحقیق: إبراهیم رمضان، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۵ ق.
۲٤. *الفهرست*، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی)، تحقیق: جواد القیّومی، قم: مؤسّسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق، اول.
۲۵. *الکامل فی ضعفاء الرجال*، عبد الله بن عدی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲٦. *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، حاجی خلیفه، تصحیح: مصطفی بن عبد الله، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۷. *کشف المحجّة لثمرة المُهجة*، علی بن موسی الحلّی (السیّد ابن طاووس) نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ ق.
۲۸. *کمال الدین و تمام النعمة*، محمّد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق)، تصحیح: علی أکبر الغفّاری، قم: مؤسّسة النشر الإسلامی، ۱۳۹۰ ق.
۲۹. *کنز الفوائد*، محمّد بن علی الکراجکی، قم: مکتبة المصطفوی، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. *لسان المیزان*، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر)، بیروت: مؤسّسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۱. *لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب*، لطف الله الصافی الگلپایگانی، طهران: مؤسّسة البعثة.
۳۲. *مجمع الرجال*، عنایة الله القهپائی، اصفهان: ۱۳۸۴ ق.
۳۳. *معالم العلماء*، محمّد بن علی المازندرانی (ابن شهرآشوب) نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ ق.
۳٤. *معجم رجال الحدیث*، السیّد أبو القاسم الخوئی، قم: مرکز نشر الثقافة الإسلامیة، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. *المقنع فی الغیبة* السیّد مرتضی علم الهدی، تحقیق: السیّد محمّد علی الحکیم، قم: مؤسّسة آل البیت (ع)، ۱۴۱۶ ق.

ب ـ مقالات

۱. *مجلّة تراثنا*، السنة الثالثة، مؤسّسة آل البیت (ع)، ۱۴۰۶.